

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۴ جنوری ۲۰۱۹

گرگها به جان هم افتاده اند!

یکشنبه- ۲۳ جدی ۱۳۹۷- کابل: تا جایی که مطالعه در زندگی حیوانات درنده و وحشی نشان می دهد، در کل آنها به علاوه نبرد به خاطر تثبیت حق نزدیکی با جنس ماده، در دو حالت دیگر به جان هم افتیده و یک دیگر را می درند. زمانی که مطلقاً گرسنه باشند و یا این که بعد از گرسنگی وقتی به نعشی دست می یابند و آن را بسنده و کافی برای همه ندانسته، زورمندان می خواهند با تکیه بر زور بازو و چنگال و تیزی دندان، سهم بیشتر از آن نعش را برای خود بردارند این در واقع روال زندگی تمام جانوران وحشی و درنده است.

وقتی حالا به مناسبات درونی جمعیت اسلامی و شورای نظار نظر انداخته می شود، مشاهده می گردد که این تنظیم ها هم که تا چندی با شکم های سیر و باد کرده هر یکی در گوشه ای لمیده بود و با آرغ و یا ارق سیری شان زیر نام ندای وحدت و یگانگی بوی گند را پراکنده می ساختند، اینک به مانند همان حیوانات وحشی به جان هم افتاده، روزی نیست که یکی "تنبان" دیگری را از پایش بیرون نکند، چنانچه:

۱- چند روز قبل شاهد بودیم که بعد از بلند گرفتن زرمه ها مبنی بر این که "یونس قانونی" با "حنیف اتمر" به توافق رسیده و می خواهد به حیث معاون اول وی در انتصابات پیش رو بختش را ببازماید، "عبدالله عبدالمود" ضمن یک توطئه به وسیله یکی از دوستان مشترک شان، صدای یونس قانونی را ثبت نموده، در کنار بی سیرت ساختن سیاسی وی و توهین به همراه احتمالی آینده اش، ضربت سختی به تمام تیم "حنیف اتمر" وارد نمود.

۲- "یونس قانونی" که خوب فهمید چوب را از کدام طرف خورده است، در ظاهر امر سکوت اختیار نموده، از سنگ صدا برآمد از وی نه، مگر در خفا ضمن چیدن یک توطئه وی را در موقعیتی قرار داد که اگر سازش و تفاهم نشان نمی داد به واقعیت کلمه "هم کون را می باخت و هم کرک را". یعنی فضائی را به وجود آورد که در حضور بیش از ۱۰۰ تن از قاچاقبران، زورمندان و کلاهبرداران پنجشیری که اینک نام کلانها و افسال ها را با خود یدک می کشند و به زور پول و تفنگ تقریباً تمام اهالی پنجشیر، اندراب، نجراب، بغلان، تخار و بدخشان را به گروگان گرفته اند، عبدالله عبدالمود را به نحوی یک محاکمه درون حزبی نموده، وی را چنان سنگ بار نمودند که جهت نجات و رهائی خود به ناگزیر دست بیعت به "احمدولی مسعود" دراز نمود.

۳- با آن که بیعت "عبدالمود" در همان مجلس از طرف "احمدولی مسعود" پذیرفته شد مگر به دو علت تحریکات علیه "عبدالمود" نه تنها خاتمه نیافت، بلکه با همان شدت دوام نیز پیدا نمود زیرا:

الف- آنها خوب می دانند که عبدالمود همان گرگ گرسنه ای است که تظاهر به گریه زاهد شدن دارد و به محض یافتن فرصت و یا متوجه شدن به این که پشت حریف به طرفش است، باز هم حمله خواهد نمود، از این رو می خواهند حال که وی را زیر گرفته اند آنقدر بکوبند که توان فکر بقای قدرت و خیزش مجدد برایش نماند تا چه رسد به این که مجدداً از پشت خنجر زند.

ب- دلیل دوم نفرتی است که تمام هواداران سابقش از وی پیدا کرده اند. آنها ظرف ۵ سال حاکمیت مستقیم به تجربه متوجه شدند که برای "عبدالمود" به غیر از آرامی خودش دیگر هیچ چیزی ارزش ندارد حتی خون همان پنجشیری هائی که به وسیله آنها به مقام فعلی رسیده است، مسأله ای که تبارز عملی آن در کشتار و سرکوب خونین خیزش موسوم به "رستاخیز" خود را نمایان ساخت.

هموطنان گرامی!

پروسه هائی مانند انتصابات پیش رو در کنار ده ها و صد ها عیب و علت یک حسن و خوبی که دارند، گرگها و قاتل ها را به جان یک دیگر شان نیز می اندازند. در این وقت است که افشاگری ابعاد گسترده تر و ژرفتر به خود می گیرد، ما وظیفه داریم که در حد توان این افشاگری ها را عمق و ژرفای بیشتر بخشیده، به توده های میلیونی افغانستان از زبان خودشان، جنایات آنها را برسانیم.

سرکها ما را می طلبد!!